

به ممنوعیت اسلحه های شیمیائی میکربی و حریق افکن را تایید نمود معیناً چیزی که تا زگی داشت این بود که برای اولین دفعه مسئله ضمانت اعمال این ممنوعیتها را پیش بینی کرده و اینطور مقرر میدارد که :

قواعد حقوق بین المللی برای ضمانت اجرای مقررات ممنوعیت استعمال اسلحه های شیمیائی - میکربی حریق افکن و بمباران هوائی وضع شده و بتوسط مقررات دیگری راجع

بموارد لغو آنها کامل خواهند کردید.

ولی همه میدانیم که مطالعات و اقدامات این کنفرانس برای مدت نامحدودی به تعویق افتاده و بالنتیجه هیچیک از مقررات موضوعه آن بتصویب هیچیک از دول نرسید و بدین ترتیب نمی توان گفت که واقعا قواعد حقیقی و آمرانه برای محدودیت استعمال اسلحه های قدیم یا جدید وجود دارد.

دکتر مدنی

## بحث در حقوق جزائی فرانسه

زن و مرد یا بالاخره بی ناموسی و زنا روز افزون خواهد شد بطوریکه در کشور فرانسه طبق آمار صحیح و دقیقی که در دست است ۲۱ درصد از بزیهای مربوط به راهزنی و قتل - ۱۸ درصد دزدی های عادی و ۱۱ درصد سوء قصدهائی که میشود بدست خارجیان انجام شده است.

بنابر این قسمت عمده از اوقات ادارات و بنگاههای کشور فرانسه برای مبارزه در مقابل عملیات خلاف کارانه خارجیان<sup>۱</sup> دائماً مصروف و در اثر همین احتیاج هم کشور فرانسه خود را در تنگنا و مضیقه قانونی دیده احساس نمود که قوانین فعلی برای تأمین این حاجت مبرم کافی نیست و باید بوسیله وضع تصویب نامه و نظامات دیگری خارجیان را کاملاً محدود و از وقوع بزیهای روز افزون جلوگیری نماید بالاخره تصویب نامه ۱۳۰ اکتبر ۱۹۳۵ صادر و گزارش به امضای نخست وزیر - وزیر دادگستری و وزیر دارائی بمقام ریاست جمهوری تقدیم گردید .

نخست وزیر و وزیران دوکانه دیگر<sup>۲</sup> دادگستری و دارائی<sup>۳</sup> از ریاست جمهور تشدید مقررات سابق و تبدیل شش ماه زندان را بدو سال نقاضا و قضاة را مکلف نمودند در آراء خود قید نمایند که بزهار بعد از پایان مدت زندان بایدباز از کشور اتمعید و اخراج شود .

تبعید و بیرون کردن اتباع خارجه کشور فرانسه مرکز مناسب و شایسته برای اجتماع عده زیادی از خارجیان است که بعنوان مهاجر وارد شده و غالباً در کارهای فنی و صنعتی با افراد داخلی کشور تشریک مساعی نموده و گاهی هم رقابت مینمایند مخصوصاً از ابتدای جنگ بین الملل تاکنون که در حدود سه میلیون و نیم از افراد سایر کشور ها بخاک فرانسه وارد شده اند نواقص و معایبی در امور پیدا و خطرانی ایجاد گردیده که مهمترین آن زیاد شدن بز ( جنحه و جنایت است ) - مسیو بکارت حقوقدان باثر یکی میگوید :

ورود مهاجر بکشور باعث بهم خوردن اوضاع بهداری و اجتماعی شده موجبات زندگانی آسوده و راحت را برای افرادی که در آن کشور زیست میکنند متزلزل در قسمت خوراک و اجاره مسکن تفاوت فاحش ایجاد کرده و بالاخره از لحاظ نظافت و بهداری هم تغییرات کلی در انتظامات امور داخلی کشور خواهد داد .

تفاوت اخلاقی بین مهاجر و افراد داخلی از لحاظ تربیت - تراز اجتماعی - میزان تمدن - رسوم و عادات روحیه سالم بومیان کشور را مختل کرده انواع و اقسام فجایع و قبایح اخلاقی مثل اعتیاد با استعمال نوشابه های الکلی یا ادویه خنجره - قمار - اسراف و تبذیر - اجتماع غیر مشروع

تصمیمات اخیر در عین حال که بهیئت عامله قوه اجرائیه برای حفظ نظم و ترتیب امور اختیارات کامله تفویض کرده مانع از این شده است که عده خارجیان در داخله کشور فرانسه روزافزون شده و باین وسیله از وقوع بزه تا حدودی جلوگیری کرده است.

با اجرای این کیفیت هزینه زندانیانی که برای تخلف از قوانین اقامت و نقض مقررات انتظامی کشور مورد تعقیب واقع شده اند روبه نقصان گذارده از تحمیل بر بودجه و اسراف در مخارج گاسته شده است بنابراین تصویب نامه موضوع بحث مقررات عمومی و از حیث اجرای مجزات درباره خارجیان تشدید کرده و بعد از پایان مدت زندان هم بزهکار خارجی را الیاً تبعید بخارج نموده است.

بدیهی است لفظ تبعید و اخراج از سرحد در عالم فرض آسان لکن حین عمل اجرای آن بی اشکال و مانع نیست زیرا که مطابق تجربه و آمارهای دقیق معلوم شده است که خارجیان موضوع بحث از دو حال خارج نیستند یا کسانی هستند که در کشور فرانسه دارای زن و بچه و خویشاوندانی بوده که با اقامت در آنجا دلبستگی مخصوصی پیدا کرده و نیز از لحاظ مادی منافع ایشان اقتضا ندارد که از کشور فرانسه خارج بشوند که در اینصورت اعمال نفوذ و تشبث کرده بوسایل نمکنه متوسل و در صدد برمیآیند که شفقت مقامات مربوطه را بخود جلب و بیمانه و دستاویزهای غریب و عجیبی از تبعید شدن بخارج معاف گردند و نیز دیده شده است که این قبیل از اشخاص در اثنای جریان پرونده اتهامیه هم به لطایف الحیل اتفاق نظر قاضی و اقراهم و از اینکه اخراج شوند جلوگیری نموده اند.

آمار قضائی میزان نفوذی را که خارجیان در این موارد اعمال نموده کاهمی موفق و زمانی هم قربانی شده اند بخوبی نشان میدهد.

عده دیگر آسانی هستند که از نقطه نظر مالی در تنگنا و مضيقه واقع بوده چون رفتن از فرانسه بکشور دیگر مقداری

خرج لازم دارد که این اشخاص بعد از خروج زندان فقط وسایل معاش دارای هیچگونه قدرت مالی نیستند بالطبع نمیتوانند از کشور فرانسه خارج شوند و بهمین مناسبت هم غالب از خارجیان که محکوم باخراج میشوند بطریقه خاطر و یا با اصول اجبار و الزام و تجاری در فرانسه قهراً قامت کرده محکومیت متعدد و مکرر را بعلت نقض قوانین و مقررات راجعه بخارج شدن تحمل میکنند.

آمار قضائی دادگاه جنحه ماریسی عده از خارجیان را که در سال ۱۹۳۲ بعلت تخلف از مقررات راجع بخارج شدن از کشور مورد محکومیت مکرر واقع شده اند نشان میدهد که در رأس این عده بکنفر ایتالیائی با اسم سلیتی پانکراس Selliti pancrace واقع است.

این شخص دارای بیست فقره محکومیت بود که جمماً به ۴ سال و هشت ماه و بیست و نه روز زندان بالغ میشد که با احتساب هر روز زندان از فرار ۳۱۳ فرانک قیمت بجمع به ۲۸۳۶۸ فرانک میرسید و صوتیکه بدبط درجه سوم راه آهن نامحلی که تبعید می گردید فقط ۵۳۷۵ فرانک قیمت داشت.

علاوه بر مشکلاتی که برای تبعید متصور است و در بالا تشریح گردید محظور دیگر وقتی است که خارجی محکوم به تبعید تابع هیچیک از کشورهای مستقله نبوده یا اینکه دارای وطن مخصوصی نباشد.

وضعیت این قبیل از محکومین صدور تصویب نامه دیگری را ایجاب نمود که با استناد آن وزیر کشور شرایط و موارد تطبیق تصویب نامه یازدهم ژانویه ۱۹۳۰ و ۱۶ ژویه ۱۹۳۴ و ۲۷ و ۱۹۳۵ را با وضعیت خارجیان محکوم به اخراج تعیین خواهد نمود.

بخش نامه ۱۹ نوامبر ۱۹۳۵ روس های سفید - ارامنه - کلدانی و آشوری اهالی ناحیه سار و موقه کرچیها را در عداد مللی که دارای کشور مستقله نیستند تعیین و با ادارات شهرسانی معرفی کرده است.

تصمیمی که برای تبعید این اشخاص گرفته میشود

باعث ازدیاد بزه از قبیل دزدی - کلاهبرداری و امثال آن خواهد بود.

ممنوع کردن خارجیان مذکوره از اینکه دخالت در کارها کرده موجب تأمین معاش و روزی خود را فراهم نمایند وسیله خواهد شد که از راه دزدی یا سربردن در زندان ارتزاق نمایند در صورتیکه ایجاد رابطه و نزدیک کردن عده زیادی از بزهکاران سبب میشود که این قبیل از اشخاص برای آینه کشور تولید خطرهای خیلی شدید بنمایند عقابندی که در باب تبعید خارجیان از کشور اظهار شده است نتیجه تراوشات فکری عده از حقوقدانان و متخصصین علم اجتماع است ولی در قبال احساساتی که بر علیه این اشخاص ابراز میشود جامعه ملل با نهایت جدیت مداخله کرده و بکشورها برای جلوگیری از تبعید بیمورد خارجیان تأکید و سفارش نموده است و نیز در کنفرانس لاهه که در سال ۱۹۳۱ تشکیل شده بنا بر پیشنهاد قابل توجه عده از نمایندگان کشورها در موردیکه تصمیم بر علیه یک نفر خارجی بتبعید از کشور اتخاذ میشود مداخله و تعیین وکیل مدافع را ضروری می دانند.

در سال ۱۹۳۴ ندوین کنندگان اصول محاکمات جزائی بموضوع تبعید و اخراج صورت قانونی داده در ماده ۸۴ از قانون بقضات اختیار داده اند که در صورت تجاوز میزان محکومیت بزهکار خارجی از ۶ ماه زندان بزهکار را بطور موقت یادئم از کشور فرانسه تبعید نمایند.

افکار عمومی کشورها برای مبارزه در مقابل سیل بنیان کن زه متوجه و در سده هشتاد که وجبات مجازات زهکار را بر شکلی که تصور شود فراهم نمایند « فورمول هوگو کربتوس » بعضی از بزهها دارای یک یا چندین جهت خارج الارضی است بنابراین هر کشور که موفق بدستگیری بزهکاری میشود در موقع خود ساکت و آرام نماند بزهکار را تعقیب و بمجازات رساند بآنکه او را بکشور دیگری که درخواست کرده است تسلیم مینماید.

مستقیماً بمهده وزیر کشور است که در موارد چهارگانه زیرین از طرف ادارات مربوطه پیشنهاد تبعید بوزیر نامبرده تقدیم خواهد شد.

- ۱- در مورد محکومیت بجزایای تریبی با نردبلی و امور مشابه (ورشکستگی بتقصیر یا تقلب)
- ۲- اجتماع و توطئه بر علیه امنیت خارجی کشور یا عملیاتی که منافعی با اساس تشکیلاتی دولت باشد.
- ۳- اجتماع و توطئه یا تشکیل دستجات منظم در داخله کشور بر علیه کشورهای خارجی.
- ۴- اختناق و استنگاف یا مسامحه در پرداخت مالیاتها و عوارض دولتی -- هزینه های محاکماتی - محکوم به نقدی در مواردی که اصل محکومیت موضوع عفو واقع نشده است.

وزیر کشور در موارد مذکوره امر خواهد داد که تبعید بزهکار فوراً بعمل آید لیکن وزیر نامبرده شخصاً بعمل تبعید رسیدگی کرده جهات خصوصی و عمومی را در نظر گرفته مدت اقامت بزهکار را در کشور فرانسه و ایتالیا و رابطه او را با فامیل و نژاد فرانسوی در نظر میگیرد.

میتوان گفت طبق این اسلرب وضعیت اتباع خارجه شدید در عین حال هم کیفیات مخصوصی منظر رسیدگی و اتخاذ تصمیم واقع است یا بعبارت بهتر: « باید خارجی بزهکار را از کشور تبعید کرد اما تبعید خوب است خیلی به ندرت ولی بسیار بجا و مناسب باشد » زیرا که تصمیم بتبعید و اخراج چنانچه مقرون به وجبات عمل نباشد شایسته نیست.

خارجی مورد تبعید ناچار است کار کرده مخارج مسافرت خود را بخارج فراهم نماید پس باید مورد قبول را محدود اما مناسب نمود حتی صاحبان کارخانجات چنانچه از راه احساسات و جوانمردی در چنین موارد کمک های مالی کنند طبق قانون مورد عقوبات و محکومیت های جزائی واقع خواهند شد.

از طرف دیگر محروم کردن این اشخاص از کار

نبوده مرکز اجرای قوانین جزائی بکسمت از عالم تصور شده بلکه محیط کره زمین برای اجرای قوانین جزائی در نظر گرفته شده است .

موضوع حقوق جزائی بزهاران مقیم در يك کشور نبوده بلکه تمام بزهاران عالم است همچنین اساس حمایت از مجنی علیه مربوط بکسی نیست که تحت لوای قوانین يك کشور زیست میکنند بلکه تمام اشخاصی که قربانی عملیات بزهاران واقع شده اند موضوع این قضیه واقع اند بنا براین توسعه و تعمیم قوانین جزائی بنحو کلی اساس قضیه مورد بحث است.

پس در هر دو سیستم اتحاد کشورها برای مبارزه با بزهاران در نظر گرفته شده و مناسبات دقیقه بین آنها ایجاد گردیده ولی در مورد حقوق جزائی ترجیحی علاوه بر کیفیت مذکوره قوانین يك کشور در داخل کشور دیگری اجرا شده و مانع فرار بزهاران از عواقب مجازات میگردد .

موضوع تعمیم قوانین جزائی بنحو بین المللی روی اساس فلسفه اجتماعی بوده طبیعت و اثرات قضائی بزه نیز مورد نظر واقع میباشند و بهمین مناجبت است که در مورد مذکور برخلاف آنچه که در سیستم حقوق جزائی ترجیحی مزیت و امتیاز قانون کشور دیگر مناط اعتبار واقع است در اینجا فقط اجرای عدالت و مجازات بزهاران هم طبق قوانین اصلی و منحومستقل در نظر گرفته شده است بنابراین در هر دو سیستم اصل کلی مجازات بزهاران بوده نه فقط از نقطه نظر فرضی بلکه در عالم تحقق هم دارای منافع بشمار است زیرا که کیفیت اجرای مجازات در باره بزهاران همه جا یکسان نیست و هر يك از کشورها برای خود اصولی در نظر گرفته اند مثلاً در کشور سوئیس باستناد قانون مصوب ۲۲ ژانویه ۱۸۹۲ حق استرداد در بین نبوده ماده دوم از قانون مذکور تصریح میکنند ( هیچیک از اتباع سوئیس بکشور دیگری تسلیم نخواهد شد ) - قانون مذکور برای قضات و بنگاههای قضائی صلاحیت قانونی برای رسیدگی ببزهائی

بمحض پیدایش این سیستم قانون جزائی بین المللی در عالم وجود پیدا کرده و هنوز هم اساس تشکیلاتی حق استرداد و قضاوتهای خارج الارضی است .

موضوع بحث ما در این مقاله دو امر است که از مهم ترین مباحث علم بزه شناسی بشمار رفته غالباً بیکدیگر شبیه اما باطناً از هم متمایز است یعنی : [ حقوق جزای ترجیحی و تعمیم قوانین جزائی بنحو بین المللی ] و خط سیری که تعقیب میشود عواملی است که برای رفع اشتباه و تشخیص کامل هر دو قضیه لازم است حقوق جزای ترجیحی چیست ؟

حقوق جزای ترجیحی عبارت از قوانین جزائی کشور است که در موارد مخصوص قائم مقام قوانین جزائی کشور دیگر شده و کشور اجرا کننده در عین حال که در جهان و برتری قانون را نسبت بقوانین خود تصدیق دارد، معیناً بجهت وعلی از قبول آن امتناع میکند .

اصولاً طبق قواعد کلیه در مورد رسیدگی بزه قانون داخلی و محلی همان کشور مجراست لکن در مواردیکه قوانین مذکوره رسیدگی بزه را پیش بینی نکرده باشد طبق قانون کشوری که بزهاران را تعقیب کرده است رسیدگی بعمل خواهد آمد زیرا که اساساً هیچ بزه نباید بدون تعقیب مانده و امکان عبور بزهاران از سرحد مملکت بقلمرو کشور دیگر موجب نقض قوانین کلی و اساس اجتماعی ( مجازات بزهاران ) نمیباشد - باید عمل را طوری انجام داد که بزهاران بدانند هر جا میروند گرفتار عقوبات قانونیه بوده و مکافات عمل خود را خواهد دید بنابراین هر کشور که بزهاران را در اختیار خود دارد باید اصل کلی را در نظر گرفته چنانچه قوانین ارضی و داخلی انجام مناسب برای مجازات نیست بوسیله اجرای قوانین کشور متبوع بزهاران را تعقیب کنند. مبحث مذکور با اسم حقوق جزای ترجیحی نامبرده شده است .

تعمیم قوانین جزائی بنحو بین المللی

باید دانست که اساس اجرای عدالت عمومی مربوط به ملیت عامل یا قربانی عمل بزهاران همچنین محل وقوع بزه

بعلمت اینکه بز هکار موضوع تقاضا از اتباع کشور می باشد قانوناً ممکن نیست .

بمقیده مافاقون لهستان هر چند که نسبی و منحصر به اتباع داخلی است مع هذا تا حدودی که باید اصول عدالت را در کیفیت اجرای قوانین جزائی در نظر گرفته است .

یک قانون جزا چنانچه از حیث تطبیق با احتیاجات عمومی و سایر خصائص قانونی مطلوب و دلپسند باشد باید در همه جا بموقع اجرا گذارده شده بدون اینکه کیفیات سیاسی کشوری که بزه در آنجا واقع شده است مورد نظر واقع باشد تحقق این فرض نسبی و مصادیق خارجی کم است زیرا که رسیدگی فقط منحصر بیزه هائی است که اتباع کشورش می شود مع هذا چون کلیت داشته و بدون قید و شرط اجرا می شود حائز اهمیت بوده کلیه اتباع لهستان را در هر جای عالم که باشند تابع صلاحیت قضائی کشور خود قرار داده است .

برای اینکه اصل شخصیت قضائی حکم فرما باشد لازم نیست تقاضای استرداد همانطوریکه در قانون سویس پیش بینی شده است قبلاً عمل آید زیرا که نه تنها از نقطه نظر موانع قانونی برای استرداد است که قوانین داخلی کشور را باندورد مجرماً میگرداند بلکه نظر کلی اجرای عدالت و قصد مجازات بز هکاری است که مرتکب گناه گردیده است .

رابطه بین اصول قضاوت شخصی و قانون جزا در صورت امتناع کشوری از تسلیم افراد داخلی خود ضمن قانون مصوب ۲۴ فوریه ۱۹۱۰ استنباط میشود .

قانون مزبور در مورد بز ههائی که از طرف یک نفر فرانسوی در خارج از کشور واقع شده است رسیدگی را طبق قوانین فرانسه مقرر داشته است حتی اگر بزه کار ملیت فرانسه را بعد از ارتکاب بزه بدست آورده باشد لکن قانون ۱۰ مارس ۱۹۲۷ در چنین مورد هم تسلیم بکنفر فرانسوی را بکشور دیگر جایز دانسته تقریباً میتوان گفت برای اجرای مجازات جهت عمومی بین المللی قابل شده است .

موضوع دیگر: در قانون جزای لهستان با در نظر گرفتن

که در خارج از کشور واقع شده است تثبیت کرده مشروط بر آنکه دولت متقاضی استرداد اطمینان بدهد از اینکه بز هکار موضوع مجازات را برای مرتبه دیگر در قبال همان بزه در کشور خود مورد تعقیب قرار نخواهد داد .

برای اینکه قانون سویس بموقع اجرا گذارده شود باید که استرداد بصورت رسمی از طرف کشوری که عمل بزه در حوزه قلمرو آن واقع شده است تقاضا شده و کشور نامبرده رضایت خاطر خود را از اینکه تعقیب بز هکار بوسیله قضات سویس بعمل خواهد آمد رسماً اعلام دارد بنا بر جهات مشروطه مسلم میگردد که کشور سویس اجرای مجازات بز هکار را بوسیله قوانین داخلی تأمین کرده و اصول قوانین خارج المملکتی را در قوانین جزائی خود راد نداده است

این کیفیت در تمام عالم یکسان نیست مثلاً در قانون مصوب ۱۸۳۲ لهستان کلیه اتباع لهستان در هر جای دنیا که مرتکب بزه شوند تابع قوانین داخلی خود بوده و بهمان ترتیب هم مجازات خواهند شد بنا بر این تثبیت است کشور هائی که معتقد استرداد بز هکاران نیستند اساس صحیحی برای جلوگیری از اصل عدم مجازات در نظر گرفته بز هکار را بمر تقدر مورد تعقیب قرار داده اند .

این منطق حقاً و عدلاً شایسته است زیرا که عدم صلاحیت قضات داخلی کشور بتعقیب بز هکاران در موارد مذکور سبب خواهد شد که گناهکار بعد از مراجعت بموطن اصلی خود هم بلا تعقیب مانده و بکیفر اعمالش نرسد .

غالب از کشورها مثل لهستان برای قضات داخلی خود صلاحیت های قانونی نسبت برسیدگی بیزه هائی که در خارج از قلمرو کشور واقع شده است قائل شده اند .

کیفیت مذکوره از این حیث در نظر گرفته شده است که اجرای قوانین داخلی در چنین موارد غیر مقدر است زیرا فرض قضیه این است که یکی از اتباع کشور در خارج از مملکت مرتکب گناهی شده و عمل استرداد

اصول و مقررات قانون جزای ترجیحی پیش‌بینی شده است ماده دهم از قانون مزور میباشد که برای رسیدگی بزه‌هایی که از طرف يك نفر خارجی در کشور دیگر واقع شده و بزهار از اتباع لهستان نبوده .

همچنین اصل بزه هم مربوط به منافع خصوصی افراد یا مصالح عمومی کشور نباشد قضاوت داخلی را صالح شناخته و انجام امر را محدود و مقید بدو شرط زیرین نموده:

۱ - در صورتیکه تقاضای استرداد مورد قبول واقع نشده باشد بزه کار را به کشور هائی که از حیث صلاحیت ارضی یا تبعی صالح برای قضاوت باشند تحویل مینماید .

فرض قضیه این است یک نفر خارجی مرتکب بزه شده که نه مضر بحال منافع خصوصی افراد داخلی کشور بوده و نه تماس و اصطکاک با مصالح عمومی مملکت داشته و در خارج از قلمرو زمینی آن کشور هم واقع شده باشد در این مورد چه از حیث موجبات قضاوت ارضی و چه از لحاظ منافع افراد یا دولت کشورها ذینفع نبوده معیناً روی اصل آیین وظایف بین‌المللی باید اهتمام نمایند که بزهار را بکشوری که حاضر برای قضاوت در باره او باشد تسلیم نمایند

این کیفیت سبب خواهد شد همه موقع مقررات عمومی بین‌المللی رعایت شده در هر مورد که بکنفر خارجی در ماوراء قلمرو کشوری مرتکب بزه میشود از مجازات فرار نکرده کشورها یا بزه کار را تسلیم کرده و یا اینکه شخصاً در باره او قضاوت نمایند و چون اصل کلی بین‌المللی اقتضای عقوبت و مجازات بزه کار را دارد کشور هائی که عمل بزهار هیچگونه نزلتی در نظم عمومی آنجا نداشته و مخل منافع خصوصی افراد هم نیست معیناً حاضر برای تسلیم یا مجازات او شده ملاً قواعد کلی را رعایت نمی نمایند .

۲ - تبصره دوم از ماده ده قانون سابق‌الذکر مورد شمول را محدود و حق تعقیب را فقط برای وزیر دادگستری محفوظ داشته است بنا بر این در صورتیکه تمام جهات و کیفیت قانونی برای تعقیب بزهار موجود باشد معیناً عملی شدن

آن مقید به قید و شرط مذکور در فوق بوده و همه موقع تشخیص تعقیب و یا عدم آن موکول بنظر دوات است که صرفاً بجهات قضائی امر اکتفا نکرده بلکه موجبات دیگری را بیشتر مطرح نظر قرار میدهد .

طبق ماده ۹ از قانون جزای لهستان در مورد بزه های عمومی بین‌المللی شرط اساسی تعقیب این است که بزهار در خاک لهستان باشد زیرا که محل وقوع بزه همچنین ملیت و تابعیت بزه کار یا کسیکه قربانی عملیات متعدد یا نه او واقع شده است تاثیر در تغییر این کیفیت نداشته و نیز قانون محل وقوع چه از حیث کیفیت بزه و چه از لحاظ کمیت مجازات مناط تاثیر واقع نمیشد و برعکس راجع به بزبهائی که خارجیان در کشور های دیگر مرتکب شده اند ( موضوع ماده دهم از حقون جزائی لهستان مربوط بجرایم عمومی بین‌المللی) قبل از اعمال مجازات درباره بزه کار توجهی به استرداد نشده و در مورد این قبیل از بزه ها مجازات قبلی لازم نبوده بلکه اجرای مجازات مثل امور عادی بزه های عمومی که در داخله کشور واقع شده است تلقی میگردد.

این رژیم عمومی بین‌المللی است که با اصول صحیحی مقرون بوده دلالت منطقی هم در لزوم آن موجود است باید در نظر گرفت که اعمال این رژیم از نقطه نظر معارضت های بین‌المللی که کشورها را مثل بکرشته زنجیری با اصول محکمی بیکدیگر پیوسته است نبوده نه فقط مناسبات و دادیه بین دشور ها را ملحوظ نظر قرار داده بلکه موجبات عدالت بشری را در نظر گرفته و برای مبارزه در مقابل سیل بنیان کن بزه ها همچنین تنبیه بزهاران و جلوگیری از اینکه مجرمی فرار از مجازات نماید ایجاد شده است .

صلاحیتی که برای قضاوت حوزه دستگیری بزهار قائل شده اند صلاحیت اختیاری نبوده بلکه باید دارای جهت اجباری و بنام اشتراك مساعی بین کشور ها ایجاد گردد یعنی بعبارت واضح تر میتوان گفت که تمام قضاوت

عالم صلاحیت داشته همگی دارای اختیارات لازمه و جملگی نماینده يك قوه با اسم (عدالت عمومی) هستند بنا بر این قاضی محل دستگیری بزهار در عین حال که قوانین داخلی خود را اعمال میکند مع هذا به تنهائی نماینده کشور خود نبوده بلکه نمایندگی تمام کشورهای عالم را دارا خواهد بود از اینجاست که قوانین مجازات عمومی بین المللی پیدا شده موضوع اجرای کیفر در باره بزهر کار ایجاد صلاحیت برای تمام قضات و قوانین دنیا بطور مساوی کرده فقط مقررات قوانین محلی که بزهار توقیف و دستگیر شده است بموقع اجرا گذارده میشود.

بهر تقدیر میتوان گفت تعقیب بزهاران از نقطه نظر بین المللی مثل مواردی که امر بزهر مربوط بحقوق خاصه افراد است بعمل آمده بهمین مناسبت هم ممالکی که بزهرکار را در اختیار خود دارند طبق قوانین خارج المملکتی رفتار

کرده در نظر نمیگیرند آیا مقامات دیگری برای تعقیب بزهر کار برتری و اولویت داشته یا اینکه به تعین پیشینه بزهار بیشتر مأخوذ هستند بنا بر این هیچگونه ترجیحی در بین نبوده تمام قضات عالم بیک اندازه ذینفع هستند که نوع بزهر در هر جامورد تنبیه و مجازات قانونی قرار گیرد مع هذا در موردی که مقامات قضائی محل دستگیری بزهر کار تشخیص نمایند که حسن جریان امر افتضا دارد برای استماع شهادت شهود یا بعمل آوردن بازجوئیهای محلی همچنین در نظر گرفتن قرائن و امارات یا اوضاع و احوال شخص بزهرکار لازم است که جریان دادرسی در دادگاه محل وقوع بزهر بعمل آید سیستم قضاوت عمومی بین المللی مانع نیست که قضات محلی بزهرکار رسیدگی نمایند و از این حیث برای مقامات محل وقوع بزهر رجحان و برتری قائل شده است.